

بررسی مصداق اهل بیت و مفهوم «اراده» در آیه تطهیر

رضا عطایی*

چکیده

آیه ۳۳ سوره «احزاب»، از اراده خداوند درباره پاک‌ی اهل بیت علیهم‌السلام از هر گونه پلیدی سخن گفته است. تفاوت ضمیرهای قسمتی از آیه با آیات قبل و بعد، موجب اختلاف دیدگاه‌ها در تعیین مصداق اهل بیت و مفهوم «اراده» در آیه تطهیر شده است. با توجه به نقش محوری آیه تطهیر در اثبات قرآنی «عصمت»، ارائه پژوهشی مستقل در این زمینه ضروری می‌نماید. هدف این مقاله، تعیین مفهوم «اراده» و شناخت مصداقی انسان‌هایی است که با اراده خود، به عالی‌ترین درجه عصمت و طهارت دست یافته‌اند و به جهت طهارت می‌توانند مرجع مطمئنی در مسائل علمی، دینی و سیاسی جامعه باشند. دست‌آورد تتبع، بررسی و تحلیل متون اسلامی، تعیین مصداق اهل بیت و اثبات اراده تکوینی در قالب تشریح (نه فارغ یا نافی از تشریح) است که حاصل این مطلب، اثبات طهارت اختیاری اهل بیت علیهم‌السلام در خبر قطعی خداوند است.

کلیدواژه‌ها: اصحاب کساء، رجس، اراده تکوینی و تشریحی، عصمت و اختیار، تفسیر مأثور، معارف قرآن و حدیث.

مقدمه

یکی از اختلاف‌های موجود در تفسیر آیه «تطهیر»^۱، تعیین مصداق «اهل بیت» است. شیعه به صورت اجماع و با تکیه بر روایاتی که از طرق گوناگون وارد شده^۲، مصداق آیه را وجود مبارک حضرت رسول، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و حسین علیهم‌السلام در زمان نزول آیه و ائمه اطهار^۳ بعد از نزول می‌داند؛ اما اهل سنت با وجود روایات متعدد، اختصاص آیه تطهیر به اصحاب کساء را انکار می‌کنند و بر این باورند که افزون بر خمسۀ طیبه، افراد دیگری نیز مصداق این آیه هستند^۴؛ حتی برخی، اصحاب کساء را از مصادیق آیه تطهیر ذکر نمی‌کنند!^۵

* دانش‌پژوه سطح ۳ مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم (www.rezaataee49@yahoo.com).

۱. «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد؛

احزاب، آیه ۳۸. گفتنی است، نگارنده در ترجمه آیات این مقاله، از ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی بهره‌مند شده است.

۲. ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۳. ر.ک: اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۰۵.

۴. ر.ک: الجامع لأحكام، ج ۱۴، ص ۱۸۳؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲؛ تفسیر مراعی، ج ۲۲، ص ۷.

۵. ر.ک: التفسیر الجلالین، ص ۵۵۴؛ اسباب نزول الآیات، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ زاد المسیر، ج ۶، ص ۱۹۸؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸؛ جامع البیان (طبری)، ج ۲۲، ص ۱۳؛

تفسیر القرآن (ابن‌ابی‌حاتم)، ج ۹، ص ۳۱۳۲.

درباره مفهوم «اراده» در آیه تطهیر، اهل سنت قائل به تشریحی بودن اراده هستند، اما در میان شیعیان تفاوت نظر وجود دارد. حال با توجه به نقش محوری آیه تطهیر در بین آیات و روایات مربوط به فضایل اهل بیت علیهم السلام، ضرورت پژوهشی مستقل برای شناخت مصداق اهل بیت و مفهوم اراده در این آیه احساس می‌شود.

یکی از فایده‌های نگارش این مقاله، شناخت مقام و موقعیت کسانی است که به عالی‌ترین درجه عصمت و طهارت رسیده‌اند و می‌توانند الگویی مطمئن برای جامعه اسلامی باشند. هدف این مقاله، شناخت مصادیق اهل بیت و همچنین اثبات اراده اختیاری ایشان در رسیدن به این مقام است.

درباره آیه تطهیر علاوه بر کتاب‌های تفسیری (که ذیل آیه، بحث جداگانه‌ای دارند)، آثار مستقل متعددی نیز نوشته شده است.^۱ ویژگی این مقاله نسبت به آثار دیگر، جمع و دسته‌بندی دیدگاه‌های گوناگون است که نتیجه آن، ارائه این تفسیر از آیه تطهیر است که مراد از اراده در این آیه، اراده تکوینی که فارغ یا نافی تشریح باشد، نیست؛ همچنین اراده تشریحی هم نیست (آن چنان که مفسران فریقین قائل به این دو نظرند)، بلکه اراده تکوین در قالب تشریح است. حاصل این مطلب، اثبات طهارت اهل بیت علیهم السلام با اختیار خود می‌باشد که خداوند آن را به صورت قطعی بیان می‌کند.

در پژوهش حاضر، ابتدا معنای لغوی «اهل بیت» بررسی می‌شود و سپس با استفاده از روایات فریقین و حل تعارض بین آن‌ها، مصداق اهل بیت تعیین می‌شود. در مرحله بعد، به مفهوم‌شناسی اراده الهی پرداخته شده و سپس مفهوم اراده تکوینی و تشریحی خداوند در این آیه بیان می‌شود.

در این تحقیق به چند پرسش، پاسخ داده می‌شود:

– مصداق آیه تطهیر با وجود دو گونه روایات معارض، چه کسانی هستند؟

– با توجه به این که آیه تطهیر در سیاق آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده، مستند خروج مفهوم از سیاق چیست؟

– مفهوم اراده خداوند در این آیه چیست و چگونه با مسئله جبر و اختیار، قابل جمع است؟

شایان ذکر است، این نوشته ثمره جست‌وجو در منابع مکتوب و نرم‌افزارهای متعدد علوم اسلامی^۲ و سپس جمع‌آوری روایات و اقوال وارد شده ذیل آیه تطهیر و گردآوری فیش‌های^۳ تحقیقاتی متعدد بوده است.

الف) مفهوم‌شناسی اهل بیت

پیش از پی بردن به مصداق اهل بیت در آیه تطهیر، ابتدا به صورت کلی معنای لغوی دو واژه «اهل» و «بیت» بررسی می‌شود و سپس با توجه به روایات، معنای این دو واژه در آیه تطهیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. نگاشته‌هایی مانند: *اهل البیت فی آیه التطهیر* (سیدجعفر مرتضی‌العاملی)؛ *ادب فنای مقربان* (جوادی آملی)؛ *آیه التطهیر فی احادیث الفریقین* (سیدعلی موحد ابطی)؛ *پرسمان عصمت* (علی‌اکبر بابایی)؛ *اهل البیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر* (شهاب‌الدین اشراقی و محمد فاضل لنکرانی)؛ *آیه تطهیر در کتب دو مکتب* (سیدمرتضی عسکری).

۲. جامع التفاسیر، جامع الاحادیث ۳، کتابخانه کلام اسلامی، کتابخانه اهل بیت علیهم السلام، کتابخانه دیجیتال اسرا.

۳. بیش از ۱۷۰۰ فیش.

۱. واژه‌شناسی اهل بیت

«اهل بیت» از ترکیب اضافی دو واژه «اهل» و «بیت» پدید آمده است. ابن فارس درباره واژه «اهل» می‌گوید:

دو اصل متفاوت دارد؛ اصل اول: الأهل مانند اهل الرجل زوجه و اهل الرجل أخص الناس به و اهل البيت سكانه و اهل الإسلام من يدين به؛ اصل دوم: الإهالة (به معنای پیه) است.^۱

درباره معنای اصل اول، به صورت کلی هر چیزی زمانی که به مکانی انس پیدا کند، اهل و اهلی می‌گویند؛ همان‌گونه که ابن منظور نیز می‌گوید: «أهل» به معنای «انس» است و وقتی گفته می‌شود: «فلانی اهل لكذا»، یعنی «مستوجب له». ^۲ فیومی نیز «أهلت بالشيء» را «أنست به» معنا کرده است؛ بنابراین «أهلت بالرجل»، یعنی «أنست به».^۳

معنای «اهل» در لسان قرآن و روایات، همان انس و تعلق بین دو چیز است؛ هم‌چنان که در حدیث آمده است: «أهل القرآن هم أهل الله و خاصته»؛^۴ منظور کسانی هستند که قرآن را تلاوت و حفظ می‌کنند و به آن عمل می‌کنند.^۵

بنابراین «اهل» در صورتی استعمال می‌شود که میان شخص یا اشخاصی به سبب عاملی، انس و الفتی برقرار باشد؛ مثل: اهل المذهب، اهل الاسلام، اهل البيت، اهل الرجل^۶ و اهل الدار؛^۷ یا میان شخص با چیزی انس برقرار شود؛ مانند اهل القرآن و یا حتی بدون انس به واسطه عاملی، مانند نسبی یا دینی تحت یک اصطلاح جمع شود، اهل آن به شمار می‌روند؛ مثل اهل کتاب، اهل المدینه. به همین دلیل، گاهی ممکن است آن عامل از بین برود و سلب اهلیت شود، هم‌چنان که قرآن در داستان فرزند حضرت نوح عليه السلام می‌فرماید: ﴿يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾.^۸

«بیت» در اصل به معنای «المأوى» و محل اجتماع است. دلیل استفاده این کلمه در شعر نیز به جهت جمع شدن الفاظ و حروف و معنای است.^۹ در فرهنگ لغت عرب به مسکن^{۱۰}، قبيله، خانه یا جایی که انسان شب در آن جا پناه می‌گیرد، بیت اطلاق می‌شود.^{۱۱} البته اغلب به صورت عام به معنای انجام دادن کاری در شب به کار می‌رود^{۱۲}، اما در روایات به صورت کلی

۱. مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. العين، ج ۴، ص ۲۹؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۹؛ مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۹.

۴. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۸.

۵. الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۲۹.

۶. اعلام الدین، ص ۱۰۰.

۷. شرح الکافی (مولی صالح)، ج ۱۱، ص ۲۰؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۸.

۸. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۹.

۹. الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۲۸.

۱۰. «ای نوح! پسر از اهلت نیست؛ او عمل غیر صالح است»؛ هود، آیه ۴۶.

۱۱. مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۲۴؛ مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۸.

۱۲. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۸.

۱۳. العين، ج ۸، ص ۱۳۸؛ مفردات، ج ۱، ص ۳۲۰.

۱۴. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷.

بدون این که قید شب باشد، استعمال می‌شود؛ مثل روایت ابی‌ذر: «كَيْفَ تَصْنَعُ إِذَا مَاتَ النَّاسُ، حَتَّى يَكُونَ الْبَيْتُ بِالْوَصِيفِ؟»^۱ که مراد از بیت در این جا «قبر» است. هم‌چنین به معنای شرافت و بزرگی نیز استعمال می‌شود.^۲ بنابراین واژه «بیت» وقتی به صورت مضاف‌الیه با «اهل» به کار برود، با توجه به معنای لغتی، یعنی انس گرفتن شخص یا اشخاصی با مکانی است؛ در نتیجه می‌تواند به صورت عام، به معنای خانه سنگی و گلی پیامبر ﷺ و حتی حوزه جغرافیایی حکومت پیامبر ﷺ باشد و هم‌چنین می‌تواند به صورت خاص، به معنای انس گرفتن افرادی به بیت نبوت باشد.

۲. مصداق شناسی اهل بیت

ترکیب «اهل بیت» در منابع اسلامی، به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. معنای عام شامل همه خویشاوندان سببی، نسبی و حتی برخی مسلمانان است؛^۳ و معنای خاص آن، دایره‌ای محدودتر از معنای لغوی دارد و بر مصادیق خاصی دلالت می‌کند.^۴ استعمال آن در معنای خاص، استعمال حداکثری در منابع اسلامی است و بنا بر آنچه از ام‌سلمه^۵ روایت شده است و مفسران در تفسیر آیه مباهله گفته‌اند، عبارتند از: پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام.^۶

بنابراین، هرچند لفظ «اهل بیت» می‌تواند معنای عام داشته باشد و شامل همسران پیامبر نیز شود، روایات متعددی وجود دارد که خداوند از کلمه «اهل بیت» در این آیه، معنای خاصی اراده کرده است. علاوه بر تفاوت ضمائر این قسمت از آیه، محتوای آیات قبل و بعد، به مصون نبودن زنان پیامبر ﷺ از خطا و اشتباه اشاره دارند، در حالی که خداوند به صورت قطعی، از اذهاب رجس و طهارت اهل بیت خبر می‌دهد. هم‌چنین در آغاز آیه ۳۳ و ۳۴، از خانه‌های متعدد پیامبر که همسران ایشان در آن سکونت داشتند، با صیغه جمع «بیوت النبی» و «بیوتهن» یاد شده است، ولی در آیه تطهیر برخلاف این تعابیر، «البیت» به صیغه مفرد و با «ال» به کار رفته است و از شمول آن به عموم بیوتی که اهل و ساکنان آن‌ها همسران پیامبر باشند، منصرف گشته است؛ در نتیجه مشخص می‌شود که سیر این آیات، سیاق واحدی ندارند.^۷

نکته دیگر این که قرآن کریم در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب، از ابعاد شخصیت حقوقی همسران پیامبر و حفظ شأن رسالت سخن می‌گوید؛ بنابراین، اهل بیت نیز باید وابسته به شخصیت حقوقی نبی اکرم ﷺ و مقام نبوت و رسالت ایشان و متناسب با آن شأن معنوی باشند، نه این که فقط خویشاوند حضرت باشند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، واژه «بیت» وقتی به صورت مضاف‌الیه با «اهل» به کار رود، به معنای انس گرفتن شخص یا اشخاصی با چیزی یا مکانی است؛ از این رو ممکن است

۱. النهایه (ابن اثیر)، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۹۷؛ مصباح‌المصنیر، ج ۲، ص ۶۸.

۳. ر.ک: نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۹، ص ۳۶۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ دعائم، ج ۱، ص ۶۲.

۴. همان، ص ۴۵۱، خ ۱۲۰ و ص ۱۷۶، ن ۱۱۲۰.

۵. ر.ک: جامع البیان (طبری)، ج ۲۲، ص ۹-۱۱؛ تفسیر قرآن (ابن ابی‌حاتم)، ج ۹، ص ۳۱۳۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵۲.

۶. ر.ک: الفصول المهمه، ص ۲۳.

۷. ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲.

فردی که وابستگی و تعلق خاطر به آن شخص ندارد، سلبِ اهلیت شود، هرچند جزو فرزندان انسان باشد؛ در مقابل، افرادی به سبب آنسی که با شخص دارند، جزو اهل او به شمار آیند، هرچند با او خویشاوند نباشند.^۱

بعضی مفسران^۲، با استشهاد به آیه ۷۳ سوره «هود» گفته‌اند: مراد از «اهل‌بیت» در آیه تطهیر، همسران پیامبر ﷺ است و علت تغییر ضمیر در «یطهرکم»، وجود پیامبر ﷺ، امام علی، حسن و حسین علیهم‌السلام می‌باشد که به حسب تغلیب، ضمیر مذکر آمده است. اما این احتمال فقط دربارهٔ ضمیر «یطهرکم» قابل طرح است، نه دربارهٔ ضمیر «عنکم» که پیش از لفظ «اهل‌بیت» قرار گرفته است. دربارهٔ ضمیر «یطهرکم» نیز با توجه به این که ضمیرهای مربوط به همسران پیامبر ﷺ در آغاز این آیه و نیز آیات قبل و بعد از آن، همه مؤنث هستند، با قواعد فصاحت و بلاغت سازگاری ندارد که فقط ضمیر «یطهرکم» به صورت جمع بیاید، بدون این که هیچ نکتهٔ معنایی و محتوایی برای تغییر این ضمیر به نظر آید؛ در حالی که قرآن از حکیم صادر شده و اقتضای حکمت این است که محض تنوع لحاظ نشود، بلکه تفاوت معنایی نیز مد نظر باشد. بنابراین، آنچه در آیه شریفه سوره هود آمده و دربارهٔ همسر حضرت ابراهیم علیه‌السلام، ضمیر جمع مذکر استعمال شده است، نمی‌تواند دلیل باشد بر این که مراد از اهل‌بیت در آیه تطهیر نیز همسران پیامبر ﷺ است.

۳. دسته‌بندی روایات مربوط به آیه تطهیر

احادیث نبوی در تبیین و شرح آیات قرآن، نقشی اساسی دارند^۳، چراکه اصل آموزش معارف و حیانی، از رسالت‌های مهم پیامبر ﷺ شمرده شده است.^۴ رسول گرامی اسلام ﷺ به اذن الهی، این رسالت را پس از خود، به عترت پاک خویش سپرد و آنان را در کنار قرآن، مرجع علمی معرفی فرمود.^۵ بنابراین به هیچ وجه، بین قرآن و سنت ناسازگاری وجود ندارد و سنت معتبر همواره مبین و مفسر قرآن خواهد بود؛ لذا هر تفسیری از آیات که با سنت مخالف باشد و هر برداشت از سنت که با نص صریح قرآن مخالف باشد، مورد پذیرش نیست.

با توجه به این مقدمه، شیعیان با تکیه بر بیش از هفتاد روایت^۶ که از طرق مختلف شیعه و سنی با سندهای صحیح و موثق تخریح کرده‌اند، اتفاق نظر دارند که مصداق آیه تطهیر، اصحاب کساء هستند.^۷

میان اهل سنت در تعیین مصداق آیه تطهیر، اقوال متعددی وجود دارد، اما بنا بر آنچه ابن حجر می‌گوید: بیشتر مفسران قائلند که این آیه در شأن خمسۀ طیبه نازل شده است.^۸

۱. ر.ک: صافات، آیه ۷۶.

۲. الجامع لاحکام، ج ۱۴، ص ۱۸۳؛ احکام القرآن (الجصاص)، ج ۴، ص ۳۷۸.

۳. ر.ک: نحل، آیه ۴۴.

۴. جمعه، آیه ۲.

۵. ر.ک: خصال، ج ۱، ص ۶۶.

۶. ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۷. از جمله: کلینی، صدوق، شیخ طوسی، طبرسی، بخاری، مسلم، احمد حنبل، ترمذی، طبری، سیوطی، حموی، ابن جوزی و ابن کثیر.

۸. الصواعق المحرقة، ص ۱۴۳.

نویسنده روح‌البیان نیز اعتقاد دارد، اختصاص این آیه به علی، فاطمه و دو فرزندش، از ساخته‌های شیعه است؛ در حالی که جمهور علما با ادله و براهین استوار، به اختصاص اهل‌بیت به علی و فاطمه و فرزندان ایشان قائلند.^۱ همان‌گونه که بیان شد، از طرق گوناگون در مصادر فریقین^۲، اختصاص آیه تطهیر به اصحاب کساء بیان شده است که می‌توان تحت پنج گروه ذیل به آن‌ها اشاره کرد؛

۳-۱. شأن نزول

دسته‌ای از روایات اشاره دارند که رسول خدا ﷺ هنگام نزول آیه تطهیر، به همسران خود اجازه ملحق شدن به جمع اصحاب کساء ندادند، بلکه فقط به آن‌ها وعده نیک دادند؛ مانند حدیثی که عایشه می‌گوید:

صبحگاهی پیامبر بیرون آمد، در حالی که بر او عبایی از موی سیاه بود، سپس حسن و حسین با هم داخل شدند؛ سپس فاطمه و بعد علی علیه السلام به ترتیب بر ایشان وارد شدند؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آیه تطهیر را خواند.^۳

۳-۲. بیان مصداق آیه

گروه دیگری از روایات، مصداق اهل‌بیت را به صورت عینی بیان می‌کنند؛ مانند روایتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «این آیه (تطهیر) درباره پنج نفر، من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است.»^۴ هم‌چنین در روایات متعدد نقل شده است: وقتی آیه تطهیر نازل شد، حضرت صلی الله علیه و آله خمسه طیبه را زیر کساء گرد آورد و در عین حال که ام‌سلمه را ستود، اما در جمع کساء راه نداد و سپس فرمود: «آیه درباره من و برادرم علی و دخترم فاطمه و دو فرزندم (حسن و حسین) و نه نفر از فرزندان حسین نازل شده است.»^۵

۳-۳. نحوه رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله

دسته‌ای از روایات اشاره دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله مدتی هنگام نماز، به آستانه خانه حضرت علی (که منزلگاه فاطمه و حسنین علیهم السلام بود) می‌آمدند و با یادآوری آیه تطهیر، بر ایشان به عنوان «اهلبیت» سلام می‌کردند؛ البته مضمون این احادیث از راویان گوناگون نیز، متعدد نقل شده که گویا هر یک بر حسب مشاهده و اطلاع خود، مدت این جریان را گزارش کرده‌اند. نمونه این روایات، مشاهده ابن عباس است که می‌گوید: «پیامبر نه ماه، هنگام پنج وقت نماز می‌آمد در خانه حضرت علی و بر آن‌ها سلام می‌کرد و آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود.»^۶

۱. ر.ک: رشفه الصادق، ص ۲۳.

۲. ر.ک: نگاهی به آیه تطهیر، ص ۱۲-۲۱.

۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰. هم‌چنین ر.ک: مسند أحمد، ج ۶ ص ۳۲۳؛ معجم الکبیر، ج ۳، ص ۵۳ و ۵۴؛ مسند أبویعلی، ج ۱۳، ص ۴۷۰-۴۷۱ و ج ۱۲، ص ۴۵۱.

۴. تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۳۶۸؛ جامع البیان، ج ۲۲، ص ۵؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۶؛ الکشف و البیان، ج ۸، ص ۴۲؛ مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۴۱۶.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۳۷۶.

۶. الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۹؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۵۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۱ و ۱۶۸؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۷؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۱؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴.

۴-۳. بیان فضیلت و منقبت

دسته دیگری از روایت‌ها دلالت دارند که اهل بیت همواره به این آیه، به عنوان فضیلت و منقبتِ منحصر به فرد اشاره می‌کردند؛ مانند خطبه‌ای که امام حسن علیه السلام پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ای اهل عراق! درباره ما تقوا داشته باشید که امرا و میهمان سرزمین شما و اهل بیت کسی هستیم که خداوند در شأن ما فرمود:

«انما یریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ...»^۲.

۴-۵. بیان حسرت اصحاب

به دلیل این که آیه تطهیر، فضیلت بزرگی برای اهل بیت علیهم السلام بود، برخی صحابه همواره در حسرت و آرزوی رسیدن به این منقبت بودند. نمونه بارز آن، سخن عامر است که وقتی معاویه علت لعن نکردن امیرالمؤمنین علیه السلام را از او می‌پرسد، در پاسخ می‌گوید:

سه چیز را به یاد دارم که پیامبر خدا به او گفته است و لذا دشنام نمی‌دهم که اگر یکی از آن‌ها در حق من بود، برای من محبوب‌تر از گله‌ای چارپا بود... هنگامی که آیه: «انما یرید اللهُ...» نازل شد، پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین را صدا کرد و فرمود: «خدایا! اینان خاندان من هستند.»^۳

بنابراین، به شهادت احادیث فراوان و همچنین مناشدات^۴ و افتخار اهل بیت علیهم السلام به این آیه و حسرت صحابه از مشمول نشدن ذیل آیه تطهیر، روشن می‌شود که مصداق عینی اهل بیت، تنها خمسة طيبة علیهم السلام هستند.

۴. جمع بین روایات متعارض

اهل سنت در کنار احادیث مزبور، سخنانی از صحابه و تابعان نقل می‌کنند که معارض با روایات پیشین است؛ مانند سخن عکرمه که در بازار فریاد می‌زند: «لَيْسَ الَّذِي تَذْهَبُونَ إِلَيْهِ، انما هُوَ فِي أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَاصَّةً.»^۵ هم‌چنین سخن عروه^۶، یا آنچه سعید بن جبیر از قول ابن عباس^۷ نقل می‌کند که: «انها نزلت في نساء النبي.»

در حالی که اختصاص آیه تطهیر به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با روایات معتبر بسیاری از راویان در تعارض است؛^۸ علاوه بر این که دشمنی عروه بن زبیر با آل علی، مشهور است و عکرمه هم از نظر عقیده، طرفدار خوارج بوده و مورد وثوق نیست و عقاید انحرافی او برای همه مثل بود.^۹

۱. تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۳۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۲۳؛ آمالی (طوسی)، ص ۵۴۱؛ کنز الدقائق، ج ۸، ص ۲۸۳.

۲. تفسیر القرآن (ابن ابی حاتم)، ج ۹، ص ۳۱۳۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱؛ تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۳، ص ۴۹۵؛ البرهان، ج ۴، ص ۳۴۷.

۳. خصائص امیرالمؤمنین، ص ۴۹.

۴. خصال، ج ۲، ص ۵۴۹.

۵. «آن گونه که عقیده دارید، نیست؛ این آیه در شأن همسران پیامبر نازل شده است.» الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸؛ الکشف و البیان، ج ۸، ص ۳۶.

۶. ر.ک: الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.

۷. «این آیه درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.» تفسیر السمعی، ج ۴، ص ۲۸۰.

۸. ر.ک: فتح القدر، ج ۴، ص ۳۲۱.

نکته قابل تأمل در سخن عکرمة (لیس الذی تذهبون إلیه) این است که نزول آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء، در میان مسلمانان معروف بود، آن چنان که در اخبار و بیانات صحابه پیامبر ﷺ (نظیر ابوسعید خدری، انس و همسران پیامبر، مانند ام سلمه و عایشه)، اختصاص آیه تطهیر بر اهل بیت ﷺ مطرح است؛^۲ که این بر انعکاس فهم آیه در عصر نزول دلالت دارد، نه آن که صرفاً اجتهاد شخصی آنان بوده باشد. اگر عمومیت آیه و مفهوم اهل بیت درباره همسران پیامبر ﷺ، با حفظ دلالت آیه بر فضل و منقبت درست بود، قطعاً کسانی چون همسران پیامبر، به ویژه ام سلمه که خود در صحنه مربوط به اصحاب کساء و نزول آیه حاضر بود و آرزوی همراهی در آن جمع را ابراز داشت، به صراحت از آن یاد و بدان فخر و مباهات می کردند و کشف آن را بر عهده نویسندگان و مفسران قرن های بعد نمی گذاشتند! حال آن که می بینیم خود ام سلمه فقط از نزول آیه تطهیر در خانه اش (نه در حقیقت) ابراز خشنودی و مباهات می کند. در روایاتی هم که بیان می شود پیامبر ﷺ، ام سلمه را از اهل بیت خود خواند و اجازه داد زیر کساء داخل شود^۳، تصریح شده است که این کار پس از پایان یافتن دعای پیامبر ﷺ در حق آل عبا بوده است. مؤید این سخن، نمونه روایات ام سلمه است که می گوید پیامبر ﷺ وارد منزل من شد و فرمود:

کسی را اجازه ورود مده! پس فاطمه آمد، نتوانستم او را از پدرش منع کنم. سپس حسن آمد، نتوانستم او را از مادر و جدش منع کنم. سپس حسین آمد، نتوانستم او را از مادر و جدش منع کنم. سپس علی آمد، نتوانستم او را منع کنم. حضرت آن ها را دور خود جمع کرد و با عبا پوشاند؛ آن گاه گفت: خدایا اینان اهل بیت منند؛ پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک کن! گفتم: یا رسول الله! آیا من هم از آنان هستم؟ به خدا سوگند فرمود که تو هم از آنان هستی، بلکه گفت: تو بر خیر هستی.^۴

نکته قابل توجه این که پیامبر ﷺ از کنار همسران خود حرکت می کرد و به در خانه فاطمه ﷺ می رفت و با خواندن آیه تطهیر، بر اهل آن خانه سلام می داد و هرگز کسی مدعی نشده که حتی یک بار با همسران خود چنین برخوردی داشته است. ابوجعفر طحاوی در مشکل الآثار پس از نقل احادیث مربوط به تلاوت آیه توسط پیامبر بر در خانه حضرت زهرا ﷺ می گوید: «این احادیث همه دلالت می کنند که این آیه در شأن اصحاب کساء است.»^۵

بر این اساس، همان گونه که شوکانی بیان می کند، دلیل و مدرک صحیح داریم که این آیه در شأن علی، فاطمه و حسنین ﷺ نازل شده است؟ لذا روایات دیگر، توان تعارض با آن ها را ندارند. یکی از مؤیدات این برداشت، مناشدات اهل بیت ﷺ درباره این آیه است که ایشان آیه تطهیر را منقبتی برای خود می دانستند، در حالی که هیچ کدام از همسران پیامبر ﷺ با چشم افتخار به آیه تطهیر نمی نگریست.

۱. ر.ک. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۹۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۸-۳۳؛ امام شناسی، ج ۳، ص ۲۰۹.

۲. ر.ک: تفسیر القرآن (ابن ابی حاتم)، ج ۹، ص ۳۱۳۳؛ جامع البیان (طبری)، ج ۲۲، ص ۱۳؛ الکشف و البیان (تعلبی)، ج ۸، ص ۳۶.

۳. جامع البیان، ج ۲۲، ص ۱۲.

۴. همان، ج ۲۲، ص ۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۳.

۵. ر.ک: کشف و البیان، ج ۸، ص ۲۷.

۶. ارشاد الفحول، ص ۸۳.

۵. شبهه وحدت سیاق

بافت و سیاق آیات، یکی از قرائن متصله در فهم کلام خداوند است. یکی از شبهاتی که درباره آیه تطهیر نیز مطرح است، مسئله رعایت وحدت سیاق آیاتی است که آیه تطهیر را در بر گرفته‌اند؛ قرطبی در این باره می‌گوید:

آیه دلالت دارد که همسران پیامبر، جزء اهل بیت به حساب می‌آیند، زیرا آیه درباره آن‌هاست و مخاطب آیه ایشان هستند، که این سخن از سیاق برداشت می‌شود.^۱

ابن کثیر نیز معتقد است، مطابق نص آیه، همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داخل در اهل بیتند، زیرا آنان سبب نزول این آیه‌اند و سبب نزول، داخل در نزول آیه است.^۲

بیضاوی هم چشم خود را روی بسیاری از روایات بسته و اختصاص آیه به اهل بیت را نظر شیعه قلمداد کرده و در نقد آن گفته است: «تخصیص آیه به اصحاب کساء، مناسب قبل و بعد آیه نیست و حدیث در این باب اشاره دارد که ایشان هم از اهل بیتند، نه این که دیگران نیستند.»^۳

حال آن که سیاق، از قرائن لفظی و متصل به شمار می‌رود و وحدت سیاق در کلامی که از جمله‌های متعدد تشکیل شده است، آن‌گاه تحقق می‌یابد که جمله‌های مزبور از نظر ظاهری، به هم پیوسته و از نظر موضوع نیز وحدت داشته باشند. هرگاه موضوع واحد، ولی جمله‌های مربوط به آن به صورت جداگانه باشند، قرینه لفظی منفصل است، اما هرگاه جمله‌های متعدد درباره موضوع‌های مختلف به کار رفته باشد، اصولاً قرینه‌های لفظی برای یکدیگر نیستند.^۴

بنابراین، قرینه سیاق در آیات قرآن وقتی تحقق می‌یابد که آیات به هم پیوسته درباره موضوع واحدی باشند، اما اگر موضوع متفاوت باشند، سیاق تحقق نخواهد یافت؛ هم‌چنان که آیات مربوط به همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراه با سرزنش است و هیچ‌گونه ستایشی از همسران در آن آیات مطرح نیست، در حالی که سیاق آیه تطهیر، سیاق مدح است.

یکی از روش‌های ویژه قرآن این است که درباره موضوعی مطلبی را بیان می‌کند، سپس به موضوعی دیگر می‌پردازد و بار دیگر به موضوع اول بازمی‌گردد. صاحب المنار می‌گوید: «از عادت قرآن است که انسان را از شانی به شأن دیگر می‌برد و سپس به شأن قبلی برمی‌گرداند.»^۵ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نیز با اشاره به آیه تطهیر می‌فرماید: «(چه بسا) آغاز یک آیه درباره چیزی، بخش میانی آن درباره چیزی و پایان آن درباره چیز دیگری نازل می‌شود.»^۶

این مطلب در قرآن کریم نمونه‌های فراوانی دارد؛ چنان که معروف است صدر آیه: «يُوسُفُ أَعْرَضُ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ انكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ»^۷، خطاب به حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام و لفظ مؤنث «استغفري»، خطاب به همسر عزیز مصر است.^۸

۱. الجامع لأحكام، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

۲. تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۳۶۴.

۳. انوار التنزیل، ج ۴، ص ۲۳.

۴. ر.ک: قرآن‌شناسی (معارف قرآن، ج ۶)، ص ۱۲۲.

۵. المنار، ج ۲، ص ۴۵۱.

۶. العیاشی، ج ۱، ص ۱۷.

۷. «یوسف از این موضوع، صرف نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، که از خطاکاران بود»؛ یوسف، آیه ۲۹.

۸. ر.ک: المیزان، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

بنابراین، نزول مجموعی آیات به تنهایی نمی‌تواند دلیل وحدت مخاطب آیات با یکدیگر باشد؛ حتی درباره صدر و ذیل یک آیه نیز نمی‌توان آن را اثبات کرد. مسئله دیگری که وحدت سیاق را دست‌خوش اختلال می‌سازد (همان‌گونه که در کلامی از زید بن علی بن حسین علیه السلام نیز آمده است)^۱، اختلاف ضمیر آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و آیه تطهیر است.

آنچه بیان شد، با قبول این فرض بود که وحدت نزول را بپذیریم و بگوییم وحدت زمان نزول، دلیل بر وحدت سیاق نیست، ولی با دقت در احادیث شأن نزول به دست می‌آید که این بخش از آیه، به صورت مستقل نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله، خمسۀ طیبه را زیر عبا جمع و آیه را تلاوت فرمودند؛ حتی مدتی طولانی، پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را به این آیه می‌شناساند. بنابراین، آیه تطهیر پس از نزول، به دستور حضرت در بین آیات قرار گرفت، زیرا مسلم است که ترتیب کنونی آیات طبق نزول نیست.^۲ روشن‌ترین نمونه، آیات ناسخ و منسوخ در قرآن است.

بنابراین، زمانی که دو شرط پیوستگی ظاهری و ساختاری کلام و وحدت موضوعی تحقق داشته باشد، قرینه سیاق وجود دارد؛ خواه شرط نخست آن از طریق وحدت زمانی نزول آیات تحقق یابد یا این که از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله جای‌گزین شده باشد. نکته دیگر این که بسیاری از روایات و به خصوص آنچه از ام‌سلمه روایت شده است، تصریح دارد بر این که آیه تطهیر، مخصوص پنج تن است و در واقعه جداگانه‌ای نازل شده است؛ حتی کسانی هم که آیه تطهیر را مخصوص همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانند (مانند عکرمه و عروه) بیان نکرده‌اند که آیه در ضمن آیات دیگر نازل شده است.^۳

ب) مفهوم اراده الهی

اصطلاح‌های «اراده تکوینی» و «اراده تشریحی» در زمان نزول قرآن و حتی قرن‌ها پس از آن دیده نمی‌شود و در جملات معصومان علیهم السلام نیز به «اراده حتم» و «اراده عزم» تعبیر می‌شود.^۴ در زمان‌های متأخر، برای اراده خداوند درباره اشیا و افعالی که خود ایجاد می‌کند، اراده تکوینی و درباره افعالی که با تشریع و جعل قانون از انسان طلب می‌کند، اراده تشریحی جعل شده است.^۵

اشاعره، همه امور را منتسب به خدا دانسته و معتقدند، چون قدرت و اراده انسان مخلوق خداست، پس قدرت صدور هیچ فعلی را از خود ندارند و قصد و نیت انجام کاری را بر اساس انتخابی که خداوند در آن‌ها به وجود می‌آورد، انجام می‌دهند؛ در مقابل، معتزله قدرت مطلق خدا را محدود به ماسوای افعال اختیاری انسان دانسته و آن را منتسب به خود شخص می‌دانند، اما امامیه به تاسی از کتاب و سنت، هم اراده مطلقه خدا را باور کرده‌اند و هم آزادی اراده انسان را پذیرفته‌اند و سخن امام صادق علیه السلام را مبنای فکری خویش قرار داده‌اند که: «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ وَلَا كِنَ أَمْرٍ بَيْنَ أَمْرَيْنِ»^۶

۱. ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲. ر.ک: تلخیص التمهید فی علوم القرآن، ص ۳۱۹.

۳. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲.

۴. «إِنَّ لِلَّهِ إِرَادَتَيْنِ وَ مَشِیَّتَيْنِ إِرَادَةَ حَتْمٍ وَ إِرَادَةَ عَزْمٍ»؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۱.

۵. اللوامع الالهیه، ص ۵۱۶.

۶. شرح المواضع، ج ۸، ص ۱۴۵.

۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۹.

دانشمندان اسلامی اتفاق دارند که خدای سبحان دو نوع اراده دارد: اراده تکوینی و اراده تشریحی. هرگاه اراده فاعل مختار به انجام کاری توسط خود او تعلق گیرد، آن را اراده تکوینی می‌گویند و هرگاه اراده او به انجام کاری توسط فاعل مختار دیگری تعلق گیرد، آن را اراده تشریحی می‌گویند.^۱

ملاعلی قاری درباره تفاوت اراده تکوینی و تشریحی می‌گوید:

محققان اهل سنت بر آنند که اراده در قرآن دو گونه است؛ یکی اراده قدری، وجودی، آفرینشی و دیگری اراده دینی، امری و شرعی؛ اراده شرعیه دربردارنده محبت و رضاست و اراده کونیه عبارت است از مشیت که همه موجودات را شامل می‌شود.

او در ادامه بیان می‌کند:

میان این که فاعل مرید انجام فعلی را خود اراده کند و این که فاعل مرید اراده کند که دیگری کاری را انجام دهد، تفاوت وجود دارد؛ در صورت اول، اراده او به فعل خودش تعلق گرفته است و در صورت دوم، فعل دیگری را اراده کرده است، و هر دو نوع برای انسان‌ها قابل فهم است و اراده دوم مستلزم امر است، اما اراده نخست مستلزم امر نیست.^۲

اراده تکوینی، آخرین جزء علت تامه فعل است؛ یعنی هرگاه همه مقدمات و مبادی تکوینی فعل تحقق یابد و اراده نیز به آن تعلق گیرد، تحقق فعل قطعی و حتمی خواهد شد. البته اراده تکوینی انسان چه بسا مغلوب عوامل قاهر و غالب طبیعی و غیرطبیعی قرار می‌گیرد، ولی چنین فرضی در خداوند هرگز راه نخواهد یافت، زیرا خداوند بر هر کاری تواناست و قدرت او مغلوب هیچ چیز نخواهد بود؛ بدین جهت، هرگاه اراده تکوینی خداوند به انجام کاری تعلق گیرد، آن کار قطعاً تحقق خواهد یافت، چنان که فرمود: ﴿أَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾.^۳

با توجه به این مطالب، پرسش این است که منظور از «اراده» در آیه تطهیر، تکوینی است یا تشریحی؟

۱. معنای «اراده» در آیه تطهیر

با توجه به بیان معنای اراده، اگر اراده مطرح در آیه، تشریحی باشد در آن صورت فرقی بین اهل بیت و دیگران نیست، زیرا اراده طهارت و رفع قذارت با جعل قانون، درباره همگان، حتی کافران و فاسقان نیز وجود دارد، چون خداوند از آن‌ها نیز خواسته است که با ترک کفر، شرک و معصیت، راه صحیح هدایت را بپیمایند. شیخ طوسی در این باره می‌گوید:

اراده خداوند به زدودن رجس دو حالت دارد؛ یکی این که، از آنان خواسته است که طاعات را انجام دهند و از معاصی بپرهیزند (اراده تشریحی)؛ دیگری این که، لطف ویژه‌ای درباره آن‌ها انجام داده است که به واسطه آن، از ارتکاب قبیح دوری کنند. صورت اول صحیح نیست، زیرا چنین اراده‌ای را خداوند از همه مکلفان خواسته است و به اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص ندارد؛ از سوی دیگر، مسلم است که این آیه، بیان‌گر مزیتی برای اهل بیت علیهم‌السلام است که دیگران فاقد آن هستند.^۴

۱. ر.ک: اللوامع الالهیه، ص ۵۱۶.

۲. شرح العقیده الطحاویه، ص ۱۱۴؛ شرح الفقه الاکبر، ص ۴۰.

۳. «فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، بی‌درنگ موجود می‌شود»؛ یس، آیه ۸۲.

۴. التبیان، ج ۸، ص ۳۴۰.

۵. هم چنان که ایشان در مقام مناشده، بسیار به این آیه استدلال می‌کردند؛ ر.ک: التفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۵۲؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱؛ تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۳، ص ۴۹۵.

بنابراین اگر گفته شود سبب این خصوصیات که در آیه تطهیر ذکر شده، اجتناب از نواهی و امتثال اوامر است^۱، در آن صورت معنای آیه شریفه در حدّ همان تقوای دینی و اجتناب از نواهی و امتثال اوامر است که خداوند آن را برای عموم مسلمانان و مکلفان به احکام دین لازم می‌داند و با نصّ آیه مبنی بر انحصار اهل بیت، تعارض پیدا می‌کند.^۲

از سوی دیگر، در آیه شریفه دو قصر و انحصار وجود دارد که خود از عنایات الهی بر اهل بیت علیهم السلام است؛ یکی، انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت؛ و دیگری، انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت. اگر اراده تشریحی باشد، تکلیف متوجه همگان است و معنا ندارد که خداوند آن را در اهل بیت علیهم السلام منحصر کند. بنابراین، ظاهر آیه و احادیث شأن نزول، بیان‌گر مدح و تکریم اهل بیت است، در حالی که اراده به معنای تشریح، بر مدح و تکریم ویژه‌ای دلالت نمی‌کند^۳؛ پس نمی‌تواند به معنای تشریح باشد. اما اگر اراده تکوینی باشد، سخن در این است که چه فضیلتی برای اهل بیت علیهم السلام است، چون به اجبار تطهیر شده‌اند؟

۲. تحقق قطعی اراده اختیاری

اندیشمندان علوم قرآنی همچون ابن حجر هیتمی معتقدند، آیه تطهیر مشتمل بر فضایل اهل بیت نبوی و توجه به جایگاه و بیان‌گر شأن و مقام آن‌هاست، زیرا با «انما» اراده الهی به تطهیر اهل بیت از رجس منحصر شده است^۴؛ البته این مزیت در صورتی از آیه استفاده می‌شود که مراد از اراده، اراده تکوینی باشد. اما اشکالی در این‌جا مطرح می‌شود که در آن صورت، افعال اختیاری اهل بیت علیهم السلام تحت اراده مطلقه خداوند قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، آزادی اراده و اختیار آن‌ها و همچنین ثواب و عقاب الهی بی‌معنا می‌شود.

برای ره‌یافت به پاسخ این اشکال به عنوان مقدمه بیان می‌شود که برخی آیات قرآن^۵ دلالت دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله همانند دیگران، مکلف است و در عین این‌که مرتکب گناه نمی‌شود، قادر بر انجام گناه هست^۶، اما خداوند ایشان را از این لغزش‌ها حفظ می‌کند^۷، البته با حفظ اختیار^۸؛ لذا دستور به تبعیت مطلق می‌دهد^۹، چون ایشان باطن گناه را می‌بینند و مرتکب نمی‌شوند؛ همان‌گونه که حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «طَارِقٌ طَرَقَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا وَ مَعْجُونَةٍ شَبْتِهَا كَأَنَّمَا عَجِنَتْ بِرِيقِ حَيَّةٍ أَوْ قَيْتِهَا»^{۱۰}.

۱. ر.ک: الصواعق المحرقة، ص ۱۴۵.

۲. ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۳. الشافی، ج ۳، ص ۱۳۴.

۴. الصواعق المحرقة، ص ۱۴۵.

۵. زمر، آیه ۶۵؛ حاقه، آیات ۴۴-۴۸.

۶. ر.ک: الاضواء، ص ۳۸۸؛ کشف المراد، ص ۴۹.

۷. اسراء، آیه ۷۴.

۸. ر.ک: ادب فنای مقربان، ج ۵، ص ۲۲۵.

۹. حشر، آیه ۷.

۱۰. «شخصی است که به تاریکی شب با ارمغانی در ظرف بسته، و حلواپی که آن را خوش نداشتیم، به طوری که انگار آن را با آب دهان یا استفراغ مار ساخته‌اند، نزد من آمد»؛ نهج البلاغه (صبحی صالح)، خطبه ۲۲۴.

چون به اتفاق شیعه و سنی، پیامبر ﷺ یکی از اهل بیت به شمار می‌رود، لذا همین بحث در آیه تطهیر نیز جاری است؛ یعنی اهل بیت ﷺ همانند دیگران مکلفند؛ بنابراین تشریح برای آن‌ها نیز هست. از این رو، خداوند اراده تشریح بر طهارت آن‌ها هم دارد، چون در حق همه مکلفان «یُریدُ الله طَهَّارَتکم» وجود دارد.

اما تفاوت اهل بیت ﷺ با دیگران این است که خداوند علاوه بر اراده طهارت آن‌ها، در آیه ۳۳ سوره احزاب، اراده بر تطهیر اهل بیت نیز دارد و لذا به صورت متعدی باب تفعیل فرمود: «وَوَیَطَّهَّرْکُمْ تَطْهیراً». وضع هیئت، باب تفعیل و دلالت غالبی اش بر معنای تکثیر فعل است؛ از این رو، اصل در کاربرد باب تفعیل، دلالت بر معنای تکثیر است که این کثرت، گاهی به صورت تدریج یا ترتیب است.^۱ بنابراین در باب تفعیل، فاعل و مفعول هر دو عاملند؛ یعنی فاعل کاری را جزء جزء انجام می‌دهد و مفعول هم جزء جزء مورد تأثیر قرار می‌گیرد؛ یعنی خبر از عنایت مستمر الهی در طول زندگی اهل بیت ﷺ است، نه این که فقط از فعلیت یافتن و تحقق اراده تطهیر و اعطای مقام عصمت به اهل بیت ﷺ در حین نزول یا زمان آینده خبر دهد؛ به همین جهت، هر لحظه ممکن است اهل بیت اشتباه کنند.

با توجه به این مطلب، مراد از اراده در این آیه، فراتر از اراده تشریح است، چراکه فرمود: «لیذهب عنکم»؛ یعنی اجازه رفتن رجس به طرف آن‌ها داده نمی‌شود و این یعنی اراده تکوینی، اما نه اراده تکوینی فارغ از تشریح یا اراده نافی تشریح، بلکه اراده تکوین در قالب تشریح است؛ یعنی اراده تکوینی خداوند، در قالب اراده تشریح اهل بیت ﷺ است. بنابراین، دیگر این اشکال پیش نمی‌آید که لسان آیه تطهیر فضیلت است، در حالی که اگر تشریح یا تکوین باشد، دیگر فضیلتی نیست.

توضیح مطلب این که: اراده تکوینی الهی، گاهی که به موجودات مختار مربوط می‌شود، می‌تواند مسوق به حسن اختیار یا سوء اختیار آن‌ها بوده باشد؛ به همین دلیل، تشریح و تکوین با یکدیگر مرتبطند و اگر موجودی ولایت تشریحی خداوند را بپذیرد، خود به خود با ولایت تکوینی هماهنگ می‌شود.

بنابراین، خداوند با اراده تشریحی به همه دستور انجام تکلیف می‌دهد؛ البته بدون این که الزام در تحقق آن داشته باشد، بلکه تنها اراده هدایت و راهنمایی دارد^۲، اما از ازل با علم احاطی که به همه موجودات دارد^۳ و به علت امتحان‌هایی که از ایشان، هرچند در عالم ذر انجام داده است، می‌داند^۴ که اهل بیت ﷺ با بهره‌گیری از اختیار خود، به این دستورات عمل می‌کنند؛ حال «لیذهب عنکم» را در حق آن‌ها جاری کرد و لذا مانع می‌شود که پلیدی‌های ناخواسته به طرف اهل بیت ﷺ بروند؛ البته اراده حق به انجام ندادن گناه نیست، بلکه ایجاد فاصله است و دیگر به جبر در عمل، منجر نمی‌شود.

در ادامه فرمود: «وَوَیَطَّهَّرْکُمْ تَطْهیراً»؛ یعنی بر اساس شایستگی‌های آنان که حتی اختیار خود را نیز به دست خدا سپردند و اختیار خود را منطبق با اختیار خدا می‌گیرند، خداوند در مرتبه نفس و اختیار آن‌ها نیز افاضه می‌کند و آن به آن، طهارت آن‌ها را حفظ می‌کند؛ البته نه این که تطهیر کند.

۱. حدیث اندیشه، «مبانی ادبی فرق انزال و تنزیل»، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۵۰.

۲. «إِنَّا هَدینَاهُ السَّبیلَ إِمَّا شَاکِرًا وَّ إِمَّا کَفُورًا»؛ سوره انسان، آیه ۳.

۳. درباره علم الهی ر.ک: مجموعه آثار، ج ۱، ص ۴۳۴؛ الحکمة المتعالیه، ج ۶، ص ۲۶۹.

۴. همان گونه که برای حضرت زهرا ﷺ فرموده‌اند: «السَّلَامُ عَلَیکَ يَا مُتَّحِنَةً اُمَّتَحَنَکَ اللهُ الَّذِی خَلَقَ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَکَ»؛ المزار (ابن مشهدی)، ص ۷۹.

بنابراین، خداوند به صورت قطعی (اراده تکوینی) از تطهیر اهل بیت و اذهاب رجس از آنها، البته با اراده و اختیار خودشان (اراده تشریحی) خبر می‌دهد؛ به عبارت دیگر، خداوند از تطهیر اهل بیت علیهم‌السلام که با اختیار خودشان کسب کرده‌اند، خبر می‌دهد و این اراده تشریحی اهل بیت را با اراده تکوینی خود ضمانت می‌کند، تا از سویی، اختیار آنها ثابت شود و از سوی دیگر، تخلف‌ناپذیر بودن این اراده نیز ثابت شود.

نتیجه‌گیری

«آیه تطهیر» از جمله اختلاف‌برانگیزترین آیات میان شیعه و اهل سنت است. شیعه امامیه به استناد روایات متواتر، که در منابع فریقین ذکر شده است، مصادیق اهل بیت را پنج تن آل عبا علیهم‌السلام می‌داند و معتقد است، تنها واقع شدن یک آیه به دنبال آیه دیگر، دلیلی بر وحدت سیاق و پیوند معنوی بین آیات نیست، تا بتوان همسران حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را هم داخل در اهل بیت دانست. از سوی دیگر، مراد از «اراده» در آیه تطهیر، اراده تکوینی است، اما نه اراده تکوینی فارغ از تشریح یا اراده نافی تشریح، بلکه اراده تکوین در قالب تشریح است. البته این اراده به شکلی نیست که اختیار را از کف معصومان علیهم‌السلام گرفته باشد و لازمه‌اش به وجود آمدن جبر باشد، بلکه اهل بیت علیهم‌السلام با اراده و اختیار خود، به این مرحله دست یافته‌اند.

پیشنهادهای پژوهشی:

- مفهوم پژوهی طهارت و اذهاب رجس در آیه تطهیر.

- عصمت اهل بیت علیهم‌السلام با تکیه بر آیه تطهیر.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم (ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، دوم، ۱۳۷۳).
- ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، تحقیق: محمد صفائی، قم: اسراء، هفتم، ۱۳۸۹.
- إرشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول، محمد بن علی الشوکانی، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده، اول، ۱۳۵۶ ق.
- أسباب نزول الآيات، علی بن احمد واحدی، قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاه للنشر و التوزیع، ۱۳۸۸ ق.
- الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، بی‌تا.
- أعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۸ ق.
- امام‌شناسی، سیدمحمدحسین حسینی، مشهد: علامه طباطبائی، سوم، ۱۴۲۶.
- انوار التنزیل و أسرار التأویل، ناصر الدین عبدالله بیضاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۱۸ ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، تهران: بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ ق.
- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- تفسیر الجلالین، جلال‌الدین سیوطی، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، اول، ۱۴۱۶ ق.
- تفسیر السمعانی، منصور بن محمد السمعانی، تحقیق: یاسر بن إبراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، الرياض: دارالوطن، اول، ۱۴۱۸ ق.
- تفسیر الصافی، ملامحسن فیض کاشانی، تهران: الصدر، قم، ۱۴۱۵ ق.
- تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، اول، ۱۴۱۹ ق.
- تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن محمد بن ابی‌حاتم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفى الباز، سوم، ۱۴۱۹ ق.

- تفسير المراعى، احمد بن مصطفى مراعى، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى نا، بى تا.
- تفسير المظهرى، محمد ثناء الله مظهرى، باكستان: مكتبة رشديه، ۱۴۱۲ق.
- تفسير الوسيط للقرآن الكريم، سيد محمد طنطاوى، بى نا، بى تا.
- تفسير قمى، على بن ابراهيم قمى، قم: دارالكتاب، چهارم، ۱۳۶۷.
- تفسير كنزالدقائق و بحرالعرائب، محمد بن محمد رضا قمى مشهدى، تحقيق: حسين درگاهى، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، اول، ۱۳۶۸.
- تفسير نورالثقلين، عبدعلى بن جمعه عروسى حويزى، قم: اسماعيليان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- التمهيد فى علوم القرآن، محمد هادى معرفت، قم: مؤسسه تمهيد، ۱۳۸۶.
- التوحيد، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، تصحيح: هاشم حسيني، قم: جامعه مدرسين، اول، ۱۳۹۸ق.
- جامع البيان فى تفسير القرآن، ابو جعفر محمد بن جرير طبرى، بيروت: دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۲ق.
- جامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبي، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- الحكمة المتعاليه فى الاسفار العقليه الاربعه، صدر المتألهين، بيروت: دار احياء التراث، سوم، ۱۹۸۱.
- الخرائج و الجرائح، سعيد بن هبة الله قطب الدين راوندى، تصحيح: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه امام مهدي عليه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
- الخصال، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسين، اول، ۱۳۶۲.
- خصائص أمير المؤمنين عليه السلام، احمد بن شعيب نسائي، تحقيق: محمد هادى الأمينى، طهران: مكتبة نينوى الحديثه، بى تا.
- در المنثور فى تفسير المأثور، جلال الدين سيوطى، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۴ق.
- دعائم الإسلام، نعمان بن محمد بن حيون مغربى، تصحيح: أصف فيضى، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، دوم، ۱۳۸۵ق.
- رشفه الصادى من بحر فضائل بنى النبى الهادى، ابى بكر شهاب الدين الحضرمى، تحقيق: على عاشور، بيروت: دارالكتب العلميه، بى تا.
- روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، سيد محمود آلوسى، بيروت: دارالكتب العلميه، اول، ۱۴۱۵ق.
- زاد المسير فى علم التفسير، ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن جوزى، بيروت: دارالكتاب العربى، اول، ۱۴۲۲ق.
- سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، تحقيق و تصحيح، عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت، دارالفكر، دوم، ۱۴۰۳ق.
- سير أعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق، إشراف و تخريج: شعيب الأرنؤوط، تحقيق: حسين الأسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
- شافى فى الامامه، سيد مرتضى على بن حسين، تحقيق و تعليق: سيد عبدالزهراء حسيني، تهران: مؤسسه الصادق عليه السلام، دوم، ۱۴۱۰ق.
- شرح العقيدة الطحاوية، ابن ابى العز طحاوى حنفى، تحقيق: ناصر الدين ألبانى، بغداد: دارالكتاب العربى، اول، ۲۰۰۵.
- شرح المواقف، مير سيد شريف جرجانى، افسست قم: ميرسيد شريف، الشريف الرضى، اول، ۱۳۲۵ق.
- شرح كتاب الفقه الاكبر، ابو حنيفه نعمان بن ثابت، تعليق: على محمد دندل، بيروت: دارالكتب العلميه، دوم، ۱۴۲۸ق.
- شواهد التنزيل لقواعد التفصيل فى الآيات النازله فى اهل بيت صلوات الله و سلامه عليهم، عبيد الله بن احمد حسانى، تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى، مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميه، اول، ۱۴۱۱ق.
- الصحاح اللغه، اسماعيل بن حماد جوهرى، تحقيق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالعلم للملايين، اول، ۱۳۷۶ق.
- صحيح مسلم، مسلم النيسابورى، بيروت: دارالفكر، بى تا.
- الصواعق المحرقة فى الرد على أهل البدع و الزندقه، أحمد بن حجر هيثمى، تحقيق: عبدالوهاب عبد اللطيف، قاهره: شركة الطباعة الفنية المتحدّه، دوم، ۱۳۸۵ق.
- علل الشرائع، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، قم: داورى، اول، ۱۳۸۵.
- فتح القدير، محمد بن على شوكانى، دمشق، بيروت: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب، اول، ۱۴۱۴ق.
- فصول المهمه فى معرفة الأئمه، على بن محمد بن صباغ، تحقيق: سامى الغريرى، قم: دار الحديث، اول، ۱۴۲۲ق.
- قرآن شناسى، محمد تقى مصباح، قم: مؤسسه آموزشى پژوهشى امام خمينى (ره)، اول، ۱۳۷۶.

- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تصحيح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ق.
- كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، حسن بن یوسف، تصحیح و تعلیق: حسن حسن‌زاده آملی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چهارم، ۱۴۱۳ق.
- کتاب التفسیر، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
- کتاب العین، خلیل بن أحمد فراهیدی، قم: هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
- كشف و البیان عن تفسیر القرآن، ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، اول، ۱۴۲۲ق.
- اللوامع الالهیه، فاضل مقداد، تحقیق: سید محمدعلی قاضی طباطبائی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۴۲۲ق.
- مجمع الزوائد منبع الفوائد، نورالدین علی بن ابی‌بکر هیثمی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- مجموعه آثار شهید مطهری، مرتضی‌مطهری، قم: صدرا، بی‌تا.
- المزار الكبير، محمد بن جعفر ابن مشهدی، تحقیق: جواد قیومی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
- مستدرک علی الصحیحین، ابی‌عبدالله الحاکم النیسابوری، تحقیق و إشراف: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.
- مسند أبی‌یعلی، أبویعلی الموصلی، تحقیق: حسین سلیم أسد، بیروت: دارالمأمون للتراث، بی‌تا.
- مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
- المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، أحمد بن محمد فیومی، قم: دارالهجرة، دوم، ۱۴۱۴ق.
- معجم الكبير، ابی‌القاسم سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق و تخریج: حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، بی‌تا.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب أصفهانی، دمشق: دارالقلم - الدارالشامیه، اول، ۱۴۱۲ق.
- مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت، محمدطاهر هاشمی شافعی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸.
- میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۸۲ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سیدمحمدحسین طباطبائی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۱۷ق.
- نگاهي به آیه تطهیر، سیدعلی حسینی میلانی، قم: حقایق اسلامی، اول، ۱۳۹۰ ش.
- النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، مبارک بن محمد بن اثیر، محقق: محمود محمد طنحی، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۷.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین رضی، تصحیح: فیض الإسلام، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
- ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، تحقیق: سیدعلی جمال أشرف الحسینی، دارالأسوة، اول، ۱۴۱۶ق.
- «مبانی ادبی فرق انزال و تنزیل»، محمد احسانی فر، حدیث/تدیش، پاییز ۱۳۸۹- تابستان ۱۳۹۰، ش ۱۱ و ۱۰.